

شاهان هخامنشی باشد^۱.

در کتاب «شوق المستهام، فی معرفة رموز الاقلام» تألیف احمد ابی بکر بن وحشیه نبطی کلدانی، مذکور است که در حدود قرن دهم قبل از میلاد یک نفر «ماسی سورات» نام حروفی را طبق مخارج ابجدی اختراع کرده و با آن افکار خود را رقم زده است. بعداً اکراد هم غالباً با همان حروف کتابت کرده‌اند. حروف مذکور که مشهور به «حروف ماسی سوراتی» است، تقریباً شبیه به حروفی است که در قرن ششم میلادی اختراع شده است و آن را حروف اوستائی می‌گویند.

صورت حروف «ماسی سوراتی»

مجله‌العربی چاپ کویت در شماره (۲۰۰) ماه تموز ۱۹۷۵ میلادی درگفتاری به قلم دکتر عبدالحلیم منتصر زیر عنوان «ابن وحشیه فی الفلاحة و هو اقدم الکتب فی العربیة» می‌نویسد: ... و انه نقل اکثر کتبه من اللغة النبطیه، ولم ینشر من تالیفه فی اللغة العربیة سوى (شوق المستهام فی معرفة رموز الاقلام) «وقد ذکر فی آخر کتابه هذا انه ترجم من اللغة الكردیة کتاباً فی علل المیاه و کیفیة استخراجها و استنباطها من الاراض المجهولة الاصل» نبطیه قومی عرب بوده‌اند اما زبان‌شان غیر عربی بوده است.^۲

تا فجر اسلام، حروف کردی (ماسی سوراتی) در میان اکراد معمول بود و در عین حال اکراد خط یونانی و خط آرامی سریانی را به کار می‌بردند. سه فقره اجاره‌نامه‌ای را که «سید حسین» نامی از منسوبین شیخ علاءالدین در سال ۱۳۲۸ قمری هجری در میان

۱- (تبعات تاریخی راجع به ایران قدیم)

۲- بروانته قاموسی زمانی کوردی لاپره ی ۳۸ به‌رگی به‌که م نوسراوی عبدالرحمن محمد امین ذیحی چاپی ۱۹۷۷ از کوری زانیاری کورد - به غذا محمه د نه‌مین زه‌کی بوسه‌ر چاوه‌ی چامه‌ی (هورموژگان) ناوی کتیبی خه‌باتی سونینان نه با نوسراوی واسیلی نیکتین کوبه‌ی ۱۸ له‌سه‌ر لاپره‌ی ۱۴.

خمره پر از ارزن پیدا کرده بود، این موضوع ثابت می‌کند. این رفاق، توسط پروفیسور «براون» به دست پروفیسور «منس» متخصص خط و زبان

○ پس از گسترش اسلام در میان کردان حروف «کوفی» جانشین حروف دیگر شد و قرآنی که تاریخ کتابت آن قرن دوم هجری است و هم اکنون در قریه «نگل» از محال «کلاترزان» سنه دژ، نگهداری می‌شود به خط کوفی نوشته است.^۱

یونانی رسید و مشخص شد که یکی از آنها به زبان پهلوی و خط آرامی سریانی است (۸۸ ق.م) - و آن دو ورق دیگر یونانی است و هر دو دارای یک مضموند (نسختان) و هر دو را در زمان فرهاد چهارم، از سلاطین پارت (اشکانیان) نوشته‌اند (۲۱-۲۲ ق.م) - این دو رق دلالت دارند که در آن ایام منطقه اورامان تحت حکومت ارمنستان (آرتاکسیس) یا (آرتاکسیاس) بوده است.

حکمرانان (اورامان) هم بهمن سوم بوده است. نسل هیجدهم بهمن اول پسر اسفندیار اعلی‌جد سلسله سلاطین اورامان.

اشکالی که ذیل حروف مذکور (ماسی سوراتی) نوشته شده معلوم نیست چه حروفی هستند ظاهراً باید حروف ذیل باشند:

(پ، چ، گ، ژ، و، ل، ت، د، ر)

لام بزرگ، تای سبک، دال سبک، رای بزرگ

پس از غلبه و توسعه اسلام، حروف کردی، میخی، آرامی و یونانی به کلی متروک و به جای آنها حروف «کوفی» معمول شد قرآنی که اکنون در قریه «نگل» از محال «کلاترزان» سنه دژ، موجود است، و تاریخ آن قرن دوم هجری است، به خط کوفی نوشته شده است و پس از رواج خط نستعلیق کرد و پارس هر دو تحریرات خود را با همین خط نوشته‌اند. بنابراین کرد و پارس در خط هم، دوش به دوش هم‌دیگر رفته‌اند.

۱ - تاریخ نایه توللا شیخ محمه د مهر دؤخ به رگی یه که م.

طبق تحقیقات دکتر «سپایزار» طوایف اربعه منظومه زاگروس یعنی اکراد قسمت آراارات که عبارت از اکراد لولو و گوتی و کاسو و شوبارو هستند هر یک دارای یک زبان ویژه ولی به همدیگر نزدیک بوده‌اند مانند طوایف اکراد امروزی که هر چند شاخ و برگ کلمات زبان آنها متفاوتند ولی اصول کلمات در زبان همه یکی و نزدیک به هم است. بعضی از مستشرقین می‌گویند که زبان طوایف اربعه زاگروس «آری» بوده است ولی زبان آری هم تاکنون معلوم نشده که چه قسم بوده است زیرا هنوز مدرکی به زبان آری به دست نیامده است. بنابراین ما اکنون باید از زبان اکراد قسمت آراارات صرف‌نظر کنیم و در اطراف زبان طبقه دوم کرد یعنی اکراد خاور زمین (مادها) صحبت کنیم. «ادارمیس لثر» مؤلف کتاب «تبلیغات ایران» می‌گوید: که زبان مادها همان زبان اوستا (آویستا) بوده ولی تاکنون مدرکی به زبان مادی به دست نیامده تا با اوستا تطبیق شود.

«استرابون» جغرافیدان یونانی (در اوایل قرن اول میلادی وفات یافت) در «ایران قدیم» می‌گوید که پارس و ماد زبان همدیگر را به خوبی می‌دانستند پس معلوم می‌شود که زبان پارس و ماد خیلی نزدیک به هم بود. مانند زبان پارسی و کردی که امروزه (اتنوگرافی = ethnography) علم قوم‌شناسی بر آن تأکید می‌کند (جدول زبان چهارگانه که بعد ذکر می‌شود) و اکثر تواریخ هم تصریح کرده‌اند به اینکه زبان مادها همین زبان کردی مکرری بوده است. چنان که زند و اوستا که به زبان مادی نوشته شده خیلی نزدیک به لهجه مکرری است و یا همان زبان مکرری است.

این نظریه از اطراف هوارت و در مستتر و بعضی دیگر از متخصصان تأیید شده است و نتیجه این است که زبان اوستای زردشت زبان کردی مادی است. زبان پارسی هم در آن دوره همان زبانی بوده که در آثار پرس پلیس (= استخر پارسی) نوشته شده است تفاوتی که در اکتشافات اخیر حاصل شده همین است که کردها کلمات زیادی از عربی داخل زبان خود نکرده‌اند و به عکس زبان فارسی قدیم شکل افعال خود را تا حد امکان حفظ کرده‌اند. چنانچه نوشتن نامه به زبان کردی ساده خیلی آسان است اما به زبان فارسی

ساده دشوار است.^۱

به هر حال کردهای امروز از حیث زبان چهار شعبه‌اند: ۱- کرمانج ۲- گوران ۳- لر ۴- کلهر. هر یک از این چهار شعبه نیز به چندین شعبه دیگر منشعب شده‌اند و تغییر زبان داده‌اند.

از منابع دجله و فرات تا خلیج فارس قلمرو زبان کردی بوده است و پایتخت این زبان اول آرارات بعد از آن زاگروس بعد از آن اسپاهان، سپس نهاوند بعد هنگمدان = همدان کنونی. یک وقتی هم تیسفون: مداین بوده است بنابراین ما می‌توانیم بگوئیم که لغت و زبان کردی در تمام ولایات ایران قدیم که اسکندر مقدونی بر آن حکمروایی کرده عمومیت داشته است.

در هر حال اصل زبان کردی خاورستان به طور تحقیق همان زبان مادی اوستائی است که اصل و ریشه آن همان زبان آریان قدیم است که آن را زبان (انزانی) گفته‌اند.^۲ که پدر تمام زبان‌های مادی و هندی و پارسی و عیلامی است و تقریباً سه هزار سال پیش از میلاد آریایی‌ها با آن مکالمه می‌کردند و بعدها منشعب و مختلف شده و تغییرات کلی پیدا کرده است. ۷۰۰ سال پیش از میلاد (پول) له روزنامه‌ی که یهانی هه‌وایی لاپه‌ره‌ی ۷ ویژه‌ی هونه روئه ده‌ب روژی چوار شه‌مه ۲۸ ئیسفهند (پولان) ی ۱۳۷۰ ی هه تاوی و ۱۸ مارس سال ۱۹۹۲ ی زاینی و ریکه‌وتی ۲۸ ره‌شه مه‌ی ۲۶۰۴ ک ژماره‌ی ۹۷۴ بلاوکراوه‌ته‌وه. (۳۰۰۰ پیش از میلاد مسیح) ریشه زبان پارسی، کردی و هندی. شه‌پول *

۱ - حتی در کردی اورامی که در کوهستان واقع‌اند و بهتر توانسته‌اند رابطه خود را با اصل زبان کردی حفظ کنند برای زن و مرد افعال متفاوت است می‌گویند فرهاد آما، شیرین آمایی: یعنی آمده فرهاد لو شیرین لوانینی یعنی رفت و بر این قیاس کلیه افعال مانند عربی اما زبان فارسی فاقد این امتیاز است.

۲ - انسان معرب (انزان) است که عرب (ز) را مبدل به (س) و فتحه همزه را مبدل به کسره کرده است حالا هم در منطقه اورامان به جای انسان انزان می‌گویند مانند: ازدواسد. که تحت همین تبدیل واقع شده است رجوع باین خلکان ترجمه ملهب بنی‌ابی صفره.

ئه حمه د: مه و لانا ئه حمه د فايز: ١٢٥٨

ئه حمه د فايز كورى سه يد مه حمود كورى حاجى سه يد ئه حمه د كورى
(عبدالصمد فضل الدين) كورى سه يد سه سن گوله زهردى، له سولاله ي سه يد
سه سن گوله زهردى به دايقى سه كيم ئه حمه د فايز خوشكى كاك ئه حمه د شيخ -
ه. عه للامه ئه حمه د فايز له ١٢٥٨ كوچى مانگى له گوندى گوله زهردى سلیمانی
له دايقى بوه و لای باوكى خوى و لای خالى و لای زانایانى كورده وارى
خويندويه تى و فيرى زانست و مه عاريفى ئيسلامى بوه وله ١٢٧٧ ده سى كردوه
به دهرس و ته وه به فقه قى يان و له دوايى دابو ته قازى ميرگه و كووى سنجاق
وقه ره داخ و عيماره و منته فك و كه ربه لاو ده رسيم و ئورفه *
ئه م زانا خواپيداوه له سالى ١٣٠٨ چو ته ئاستانه و ساليك ماوه ته وه و
له پاشان هه لېژير دراوه بو قازى (قسطمونى) وله سالى ١٣١٣ دا بو ته قازى موسل
و دواى چهن سال گه راوه ته وه، بو ئاستا نه و بو ته ئه ندامى مه جليسى مه عاريفى
گشتى له ئاستانه و له سالى ١٣٣٦ كوچى و ريكه وتى ١٩١٨ زايى له ئاستانه
بارگه ي به ره و لای خواتيكناره.

سه كيم ئه حمه د فايز شماره زورى زمانى كوردى، فارسى، توركى، روسى،
عه ره بى و، فه رانسه وى زانيوه و توانيويه تى له نوسراوه كانى خويدا له ههر

شەش زمان کەلک وەر بگری و چەندین کتیبی بە زمانی کوردی و عەرەبی و فارسی نوسیوە.

۱- سیحری حەلال بە عەرەبی لە ناساندن و تەعریفاتی زانست دایە و بە دوانزە شیوە و باردا ئە خویندریتە وە.

۲- کنزاللسن المکنوز بە شەش زمانە و دوانزە فەن و زانستە و تاریخی نویسی بە پێی: (غرائبی) سالی ۱۳۰۴ کوچی مانگی یە کە بە دوانزە جەدو و لە بە کوردی، عەرەبی، فارسی، تورکی، روسی، و فەرانسەوی ئە خویندرینە وە و یانزە مە بە ستە.

ئە گەر ئوفوقی وە کو کتیبی تر بخویندەریتە وە لە بابەت (فیقه و وجوبی ئیتاعە تە لە سولتان). ئە گەر جەدو و لە کەش بە عەمود: ستونی بخویننە وە لە هەر جەدو و لیک لە هەشت جەدو و لی زانست لە دوانزە زانستە، بە نیو بردنی چلوونی و چلون کەلک وەر گرتن لە وانه قسە کراوە و نوسراوە.

لە جەدو و لی نو هەم دا قە سیدە یە کی تورکی و لە هی دە هەم دا چە کامە یە کی فارسی لە پەسنی سولتان ئە و ل حەمید و لە یانزە دا سی شیعەر بە زمانی فەرانسەوی، روسی و کوردی بەم تەرتیبە دانراوە، ئەم کارە لە ئەفسانە ئە چی. ۱
۳- کور تە ئە قیدە لە شەرحی دورە ی فەزیدە دا لە ئە قیدە دایە و بە زمانی عەرەبی یە.

۴- تُحْفَةُ الْأَخْوَانِ لَشَهِرِحِي فَتَحِ الرَّحْمَنِ لَشَانَسْتِي بِيَانِ وَبَدِيْعِي دَا.

۵- أَنْفُسُ الْفَوَائِدِ لَشَهِرِحِي فَهْرَائِيْدِ لَشَانَسْتِي كَه لَام دَا.

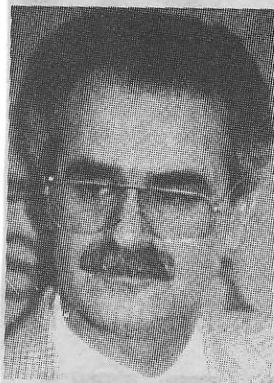
۱ - ئەم کتیبە جەنابی شیخ پەرویز نەووەی حەزەرەتی سەید تاهای دوهم (قدس سره) کە هاتبووە ئێران = تاران بە دیاری بویی هینام و زورم کەلک لی وەر گرت، ئەم کتیبە لە لایەن شیخ محەمەدی خال لە عێراق لە چاپ دراوە و خوش کراوە (شەپول) ۲/ ۱۱/ ۱۳۷۱ هە تاوی.

- ۶- سَيِّفِ مَسْلُوكِ فِي الْقَطْعِ بِنَجَاةِ اَصُولِ الرَّسُولِ.
- ۷- خَيْرُ الْاَثَرِ لَهُ نَصُوصٌ وَّارَدُهُ لَهُ مَهْدَحٌ سَهِيْدِي بِهِ شَهْرَدَا.
- ۸- نَهْصِي قَوْرَثَانَ لَهُ وَجُوْبِي ثِيْسْتَاعَهِي سَوَلْتَانَ دَا.
- ۹- دَوْرَهْرِي مَهْ نَظُومِ لَهُ رَوْنٌ كَرْدَنَهْ وَهِي حَهْوَتِ زَانَسْتِ دَا.
- ۱۰- بَهْ هِجَةِ الْبَنِيَانِ، كُوْبَهِي تَحْفَةِ الْاِخْوَانِ.
- ۱۱- اِبْهِي الْقَلَائِدِ فِي تَلْخِيصِ اَنْفَسِ الْفَوَائِدِ.
- ۱۲- اِرْشَادِ الْعِبَادِ بُوْصَهْ حِيْحِي ثِيْعَتِيْقَادِ لَهُ تَهْ قِيْدَهْ دَا.
- ۱۳- تَهْ سَهِيْلَاتِي بَهْ رَزْنَجِي لَهُ عَهْ وَامِيْلِي جَهْ دَوَهْ لِي لَهُ زَانَسْتِي نَهْ حُوْدَا بَهْ تُوْرِكِي.
- ۱۴- بَهْ دَرِي كَامِيْلِ لَهُ ثِيْخْتِيْسَارِي، تَهْ صَرِيْفُوْ عَهْ وَامِلِ لَهُ زَانَسْتِي صَهْرَفِ دَا بَهْ عَهْرَهْبِي.
- ۱۵- جَهْ لَآيِ طَهْرَهْفِ لَهُ ثِيْخْتِيْسَارِي صَهْرَفِ لَهُ زَانَسْتِي صَهْرَفِ دَا بَهْ تُوْرِكِي.
- ۱۶- حَهْمِيْدِيَهْ لَهُ ثِيْخْتِيْسَارِي صَهْرَفِ وَنَهْ حُوْدَا بَهْ تُوْرِكِي.
- ۱۷- زُوْبِدَهِي ثَامَالِ لَهُ تَهْ رَجْمَهْ مَهِي نَصُوْلِ الْمَالِ دَا بَهْ تُوْرِكِي.
- ۱۸- رُوْضَةُ الْاَزْهَارِ لَهُ شَهْرَحِي دَوْرَهِي فَهْرِيْدَهْ لَهُ تَهْ قِيْدَهْ بَهْ زِمَانِي فَارَسِي لَهُ ۱۲۷۷ كُوْچِي مَانْگِي دَانِيَاوَهْ.

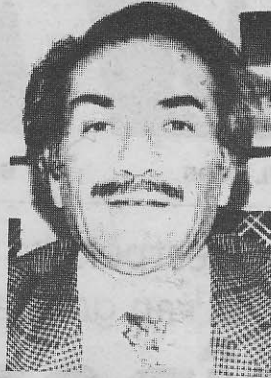
سَهْرَجَاوَهْ:

تَارِيْحِي سَلِيْمَانِي وَدَهْ وَرُوْبَهْرِي بَهْ عَهْرَهْبِي بَهْ كُوْبَهِي مَهْ لَاجَهْ مِيْلِ رُوْزْبَهْ يَانِي پَهْرَهِي ۲۳۶-۲۳۹ هِدِيَهْ الْعَارْفِيْنَ ۱: ۱۹۳، الْبَغْدَادِي، اِيْضَاحِ الْمَكْنُوْنِ ۱: ۱۳۵، ۱۳۵، خِ فَهْرَسِ الْمَوْءِ الْفِيْنَ بِالظَّاهِرِيَهْ. مَعْجَمِ الْمَوْءِ الْفِيْنَ عَمْرَرْضَا كَحَالَهْ ج ۲ لَآ پَهْرَهِي ۴۳ چَآپِي بِيْرُوْتِ وَ اِبْنِ خَلْكَانِ ۱: ۳۵ وَ الْاَنْبَارِي ۳۹۲ وَ الْيْتِمَةُ ۳: ۲۱۴ وَ آدَابِ اللُّغَةِ ۲: ۳۰۹ وَ مَجْلَهْ الْمَجْمَعِ الْعِلْمِي ۲۲: ۵۰۱ وَ مُحَمَّدِبْنِ شَنْبِ فِي دَائِرَةِ

المعارف الاسلامية ١:٢٤٧ و له كتيبخانهى دانشگاهى تاران ، جهلدى دوهم ٤٤٨ وصف الخطوطه من مجمل اللغة كتبت سنة ٤٧٩ و هى مماهدى الى مكتبة جامعة تاران (طهران). وئهلامى خيره دين زهره كللى چاپى شه شه م به رگى ١ په رهى ١٩٣. وروژنامهى كوردى ١٩٨٦ زاینى و ٢٥/٤/١٣٦٥ هه تاوى و ٢٥ ى پوشپه رى ٢٥٩٨ كوردى سالى ٤ ژوماره ى ١٣٠ به قه له مى شه پوول و تاريخ مه شاهيرى كورد نوسراوى ئوستاد بابامه ردوخ چاپى سروش ١٣٦٦ لاپه رهى ١٤٠. شه پوول .



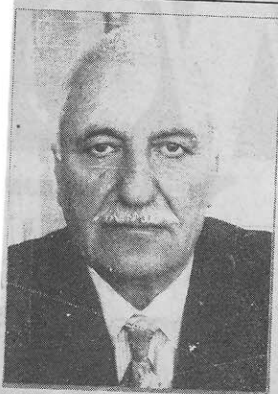
Remzi Kartal



Yaşar Kaya



İ. Şerif Wanlı



Abdurrahman Durre



Zubeyir Aydar



Yaşar Kemal

شیخ نه بو طاهر نه حمه د-ی کورد

ههندی کهس له عاریفان و خواناسانی که و ره باوه ریان وایه که شیخ تاهیری کورد له گهل حه زره تی خدری زینده قسه ی کردوه و خودانی که شف و که رامات بوه. شیخ الاسلام نه حمه د جام مریدو پهیره وی رچه و ته ریکه تی شیخ نه بو تاهیری کورد بوه.

نه گیر نه وه که نه حمه د جام فه رمویه تی: روژیک نه فسم ئاره زوی قه یسی^۱ کرد ویستم بیده می، به لام پیم وت: سالیک به روژ و به تا قه یسیت بده می نه ویش روژوی گرت، دوا ی ساله که، وتی: به قسه م کردی، ئیستاتویش له سه رته به لینی خوت به یته سه ر منیش چومه باخی، که به میرات له با و کمه وه پیم گه ییو، دیم که متیار قه یسیه که ی خوار دبوو ده نک ی له بن داری که وتبو، هه لم گرت ه وه تایدیه می، نه فسم هاواری کرد نه حمه د چده که ی نه وه له دهس که متیار ده رچه وه، پیم وت جا چبو به دهس پاکم کردوته وه، نه مه وی بیده م به تو تا وه فام به به لینه که م کردبی، نه فسم وتی: ئیتر به لین بی له مه ولا هیچم له تو نه وی و هیچ ئاره زوی وانه که م، منیش وتم زور باشه و خیرا راپه ریم و هه ندی قه یسی باشم له داره کان

کرده و ه و چهن دهنکم خوار دو هه نديکيشم برد بو چه زره تي شيخ: نه بو تاهيري
کوردي پيري ده ستگيرم شيخ بو ماوه يه ک رواني يه نه و قه يسي يانه وله پاشان روي
کرده من و فهرموي نه حمه د!

قه يسي (وه قفت) بو هيناوم بيخوم. منيش عه رزم کرد قوربان وه قف نسيه
له داري مولکي خوم به ده سي خوم چنيومه. فهرموي: ثافه رين قه يسي وه قفت بو
هيناوم و به هي خوت نه ته وي پيم بده ي بيخوم و به کو يرونه زانم نه زاني، منيش زور
به نه ده به وه به بيده نگی رهق راوه ستام و له دله وه له به رخوا (سبحانه و تعالی)
پارامه وه که نه مه چيه و رازم بولای پيرم ده ربخه، شيخ دوایي ماوه يه ک کوري
خوي بانگ کردو پي فهرمو: برو په زيک له ناو رانه که بهينه وه وسه ري بره و بلي:
تاشور باويکمان بوساز بکن چونکا نه حمه د برسي يه تي، نازاني چ ده کاوچ
ده لي، منيش بيده نگ بوم و له دله وه هه ر خه ريکي پارانه وه له به ر خوا بوم، کاتي نان
هات وه ک نه مه ئيله امام بو هات له و شورباوه نه خوم، حه رامه، خه ريکي خوار دني
نانه ويشکه که بوم، شيخ فهرموي نه حمه د بوچ ناخوي؟ وتم: نه م نانه بي خه وش
تره، فهرموي بوچ، ناچار درکاندم شيخ له شته که، کولييه وه وله کوره که ي پرسي،
کوره ش، له وه لا ما وتي، رانه که دورودير وه ختيش بو، بو کاتي خوي نان ساز
نه ده بو، ناچار له و گوشت فروشه گوشتم کرې و نه م ته عامه مان ساز کرد، شيخ
ناردي گوشت فروشيان هينا، گوشت فروش وتي: نه مه هي مه ري بو، که پياوي
حوکومه ت به زور له خه لکي ساند بو و هينا يه لای من و سه رم برې نيوه ي نه و بردي و
نيوه که ي تريشي لای من ما، بو فروش شيخ زاده هات و نرخه که ي داو بردي، شيخ
نه بو تاهيري کوردکاتي نه مه ي بيست سه ري داخست و چوه بيره وه و منيش
هه ستام و چومه ده ري و روم کرده نويزگه يه ک که له ونيزيکانه بو و چومه ژوري و
ده سم کرد به گريان و پارانه وه له خوا و عه رزم کرد ته نيا پيريکي ده سگيرم هه بو، خوم

پیوه گرتبو، ئیستاوام به سهر هاتوه، روم نییه ئیتر بچمه خزمه تیان، ئه ونه ی پی نه چو ته شریفی په یابو، هاته لام فهرموی: هه ره وه ها له گوشت گه ییوی له قه یسیش ئه گه ی، منیش هه روا له بهر خوا ئه پارامه وه و ئه لالامه وه، تاخوا بو م که شف بکا. ئه م قسانه له نه فه حاتول ئونسی جامیدایه.

ئه لین: شیخ ئه بو تاهیری کورد ئه مه ویردی زمانی بو: ته مه نم به تاخر گه یی چم کرد؟ چون بوم، چبکه م له کاتی مه وعیزه و په ند دادانیشا به خه لکی ئه فه رمو: چده که ن له و روژه دا به ده سی خالیه وه، چده بی نامه ی کرده وه تان پر و چاک و خاوین بی مروف ئه بی مروف بی و خوی له نامرو و ثایه تی لادا و خوی ناشیا و له خوف ری بدا. و اچاکه هه رچاکه بکا و چاک بی و خوله خوی ناچاک بیاریزی و خو پاریزی و پارسابی، تاله و دنیا لیوی نه دامه ت به دیانی په شیمانی نه گه زی.

چونکا گه زتنی وای چه شتنه و گه زه ی بی مه زه یه. ئه وه کاری هه له یه، پیاو ئه وه یه بهر له هه له به هه له نه رواریگی راستی خوا له خو بز نه کا، تاله نا کا و سه ره نگه ری نه دا و به ده مه وه تخیل نه بی، خو ئه و خیل نه بو، باخیل نه روانی و خو نه دورینی، به فیرو به دوی هه وای نه وس و شه ی تانا نه روا. به خته وه ری خوی ره چاو بکا، چاو بکاته وه تا چاک بیننی و چاکی وه بهر بی.

ئه لین: یه کی له ری ره وانی خواناسان له شیخ ئه بو تاهیری ویست په ندیکی بدا، ئه ویش له وه لاما پیی فه رمو: هه رگیز به لین مه شکینه به تایبه ت ئه و به لینه ی به دوستان به لینت داوه.

رازی ئه م و ئه و ده رمه خه و هه روا به هه و او هه وس ستایشی خه لک مه که و له روی غه ره زه وه به دوی عه یی مه ردوما مه رو، کاتی هه نگاوت به سودی که سی هه لگرت، مینه تی له سهر دامه نی، کاتی چاکه و پیاو هتیت له یه کی که وه دی بهر منه تی به و مافی له دهس مه ده تاروژ بو روژ به ره و بهرزی سهر که وی.

سالی له دایک بون و وه فاتی ئەم خواناسه گه و ره دیار نییه، ئەو نه هه یه چه ن
سال بهر له وه فاتی شیخ الاسلام ئەحمده د جام بارگه ی به ره و لای خواتیکناوه و له
مانگی ۵ یامانگی شه شه می سال وه فاتی کردوه ئەبی بزاین ئەو قسه و باسانه
ریوایه تی پیاو چاکانه ده رحه ق یه کترده ی بائیمه ش چاک بین تاچاکامان بیژن.
شیخ ئەبو تاهیری کورد له ماوه ی سه ته ی پینجه م تاسه ره تای سه ته ی شه شه م دا
ژیاوه و هاو روژگاری شیخ الاسلام ئەحمده د جامی (نامقی ۴۴۱-۵۳۶) بوه و
له سه ره تای سه ته ی شه شه م دا وه فاتی کردوه و به خاجه ئەبو تاهیریش ناو براوه.
سه رچاوه: بروانه نامه ی دانشوهران ناصری چاپی دوهم جوزئی ۵ چاپی
موئه سه سه ی مه تبوعاتی دارولفیکر، په ره ی ۳۶۱ تا ۱.۲۶۳
و نه فه حات په ره ی ۳۶۶ و لوغه تنامه ی دیه خودا په ره ی ۵۶۲ چاپی ۱۳۲۵
هه تاوی.

په ند:

کرکروکه:

ئەلین: کرکروکه مه نجه لی میرانه که له ویدا ئەبی قسه بکولینی و دای بیژی و
بی چیژی جا ئەو سا بی هاویژی. جاگه ر قسه که ش بو و تن شیاو نه بو قوتی بداته وه.

۱ - شیخ الاسلام ئەحمده د جامی به کیک له عاریفان و زانایانی ناوداره که له سالی ۵۳۶ کوچی مانگی
دا وه فاتی کردوه.

ئەم دوشیعه شیخ الاسلام ئەحمده د جامی فه رمویه تی:

شیعر

چوتیشه مباح و جمله بر خود متراش

چون رنده ز کار خویش بی بهره مباح

تعلیم ز اره گیر در امر معاش

چیزی سوی خود میکش و چیزی میباش

شهره فهدین (ئه حمهد) کوری عه للامه که ماله دین
(موسی)

۵۷۵-۶۲۲ مانگی

ئه م شهره فهدینه کوری که ماله دین ۱ موسی ئه بول فته تح کوری ئه بول
(فهضل) یونس، کوری محمه د کوری مه نعه کوری مالک کوری محمه د کوری
سه عد کوری (عاصم) کوری عابد کوری که عب کوری قه یس کوری ئیبراهیمه و
برازای عیماده دینه.

شهره فهدین (ئه حمهد) کوری که ماله دین له زانستی ئه قلی و نه قلی ها و لفی
باوکی بوه و له خووناکارچاکی و دل و دهرون پاکی و چاکی له باپیره ی چوه و
له فیرگه ی مه لیک موزه فهدین کوری زهینه دین خاوه نی هه و لیر، ده زریژو
ماموستا و موده ریس بوه و له زانستی فیه دا په راوه ی (ته نیه ی) نویسه و
کتیبه ی (ئیحیاء و ل عولومی) دوجار کورت کرد و ته وه به ناوی (مختصر کبیر) و
(مختصر صغیر). ئه م زانا کورده هه ر به ئه ندازه ی قنیات کردن که لکی له مال

۱- له لاپه ره ی ئه م راوه باسی کراوه
- له لاپه ره ی ئه م په راوه باسی کراوه

وسامانی دیناوه رگرتوه و دارایی نازوخه نه کرده، هه مو پول و دراوی خوی و مال و سامانی خوی بهه ژاران داوه و به سه رکه ساساندا دال به خشی کرده. له قسه به نرخه کانی ئەم زانایه به فرمویه تی: (که سیک که له زانست و هونه ر بی بهش و دارای گنج و دراوی دنیا بیت، وه کو گوید ریژیک وایه، که کورتان و که ژوی زه ربافتی پیوه بی.)

شه ره فه دین (ئه حمه د) له سالی (۵۷۵) ی مانگی له دایک بوه و له سالی (۶۲۲) ی مانگیشدا بارگه ی به ره ولای خوا تیکناوه.

فه یله سوفی میژ و کوری خه له کان هه ولیری ا نوسیویه تی: ئەم شه ره فه دینه دوا ی ئەوه که ماله دینی باوکی له شه وی دوشه مه ۲۲ ی شه عبانی ۶۱۰ ی مانگی بارگه ی به ره ولای خوا تیکناوه، هاتوته هه ولیرو هه رله و میژ وه دا له جیگای باوکی دانیشتوه و بوته دهرس بیژ و منیش چوکه له بوم ولای ئەو ئەم خویند، نه م بیستوه که سه له و باشر دهرسی دابیته وه.

دوا ی حج کردن له سالی ۶۲۷ ی مانگیدا چوته موسل سه رفیرگه ی (قاهیریه) و خه ریکی فیر کردن و بارهینانی فهقی وزانایان بوه. تا مردوه. ۲

هه ر کاتی ده چمه په ر لانه خه فه تمه؛ که ته مه نمان چهن کورته؛ بوکه لک و هه رگرتن له و سفره ره نگینه (شه پول).

۱ - کوری خه له کان له ۶۰۸ ی مانگی له دایک بوه و له سالی ۶۹۱ ی مانگیدا بارگه ی به ره ولای خوا تیکناوه.

۲ - بروانه (علماء و نای ماموستا مه لاکه ریم موده ریس.

ته‌دیب
۱۲۹۱-۱۳۵۱ مانگی

ته‌دیب؛ هونەر و خودان هونەر و زاناوله خوا ترس و روخوش، زمان شیرین
ونه‌رم و سه‌نگین و دل‌ئاواو به‌روحم و دل‌لاوین و میوان گروفه‌ره‌نگ په‌روه‌ر
بووه، زانستی پزیشکی به‌پی‌باوی ناو‌کورده‌واری (طبی‌سنتی) دارتاشی، ئاش
وه‌ستایی، جوان و خوشنویسی ته‌زانی و سه‌ری‌له و جوړه هونه‌رانه ده‌رئه‌چو
ته‌دیب له‌نوسینی ویزامه: (بلاووک) داده‌سی‌بالای هه‌بووه، له‌دانانی شیعر و هه
لّه‌ستیشدا خودان وزه و به‌هیزوباهو بووه، زوره‌یژا یانه - و ورد ته‌سپی‌ته‌بعی
لینگ داوه.

زور به‌سه‌ر شیعر و هونینه‌وه دا سواربووه هه‌ر کاویک بیو‌یستبا - بی‌خو
شلوی‌کردن، هه‌ر بی‌خو‌ره‌تانندن و خو‌ماندو‌کردن هه‌ر مه‌به‌ستیک که‌ده‌سی
بدایه‌تی زور‌ئاسان ته‌ی توانی بی‌دامان و بی‌زور‌بیر‌لیک‌کردنه‌وه به‌شیعر دای‌ته‌ناو
ته‌ی هونیه‌وه.

زانای خوداناس و فه‌ره‌نگ په‌روه‌ری مه‌زن ماموستاخو‌لیخوشبو (گیوی
موکریانی) له‌به‌ر کولی دیوانی ته‌دیب‌دا که هه‌ر بو‌خویشی شیعره‌کانی ته‌دی‌بی‌کو

کردوه ته ووه و له سهر ئه ركي خويشي له چاپخانه ي كوردستان له شاري هه ولير له ژير زنجيره ي ۴۵ دا له سالي ۲۵۷۳ كوردی له چاپي داوه، نوسيوه تي:

نيوي خوي (مه لاره سول) و نازناوي (ئه ديب) ه كوري مه لاسادق، كوري خه ليفه ئه و ره حماني زهندي يه، كه له بنه چه كدا ئه چيته ووه سه ربنه ماله ي (لوتفعه ليخان) و (كه ريم خان) ي زهند.

ئه ديب له (۱۲۹۱) ي مانگي له گوندي «شاوه لي» له دايك بووه (شاوه لي: cavale) ديبه كه، له ديبه كاني (لاجاني) به شي حه ومه ي شاري (مه باد) ۱

ئه ديب خويندن و نوسيني باوي كاوي خوي له زواني عه ربه ي و كوردی و پارسيدا، و هه روه هاله مه عاريفي ئيسلامه تي خولي خوي، له فيرگه و ناو مزگه و ته كاني ناو كورده واري خويندوه.

ئه ديب لاي ماموستا (عبدالرحيم) ي وه فايي مه باد ي خويندويه تي.

ئه ديب باش مه لا و موده ريس بووه و له هر گونديك بوبي به به راتي موده ريسي ژياوه، زياتر به كوره ئاغوا تي دهرس داوه و موچه و براتي ليوه رگرتون ياله ريگاي پزيشكي و دارتاشي و ئاش وه ستايي يه وه پي بژيو ي خوي داين كردوه.

۱ - گوندي شاوه لي: ۳۴ كيلو ميترى خورثاواي شاري مه باددايه و ۱۹ كيلو ميترى خورثاوه اي جاده ي پيرانشار به نه غه ده.

گوندي شاوه لي كوستانه. به لام زوريش ساردينيه (ميشي مالاريا: كه وته يي هه بوه) حه يشمه تي ۲۷۹۵ كه سه و هه مو كوردن و شافيعي مه زه بن. خه لك ي ئه گونده، له تاوي چومي نه غه ده ئه خونه وه به ره مي ئه و گونده دانه و يله، توتن، گه نم و جو يه.

خه لك له و گونده دا خه ريكي چوت و گاومه رومات دارين، كارده ستي ئه و ديبه بريه تي يه: له جاجم، ده سكيش و پوزه وان و به رمال و كورپسن و ره شكه ي كاكي شان چنين و ريگا بوئه و ديبه، كويره ريگايه و هيمن ريگاي خوشكراو ئيسفالته و كاره باولوله كيشي ئاوي نييه. به لام مه لاي موده ريس و فيرگه و مزگه و تي جومعه و جومعه تي هه يه.

ئهم به شه م له په راوه ي فهره ننگ و جوغرافياي ئيران به رگي چاره م وه رگرتوه (شه پول)

ماموستا ته ديب له ژينا توشي چه رمه سه ري و کوچ له کوچ و دهر دو مه ينه ت بووه، هميشه به قهرزاري ونه داري و دهس کورتي ژياوه.

له دوا ژيانيدا روي کرو و ته گوندي (سه رگيز) و بووه ته ماموستاي کوره کاني ته وره حمان ئاغاي ته وي، به لام مه لا شيخ مه حمودي کي ليوه له گه ل ته ديدانه سازاوه و توشي گيره و کيشه دي و ئاغادي ته کا به گژ ته ديب دا، جاهه ر له بهر ته مه ته ديب ته داته باري کي و بنيسي و له (۱۲) ي جومادي يه که م له سالي (۱۳۵۱) ي مانگيدا بارگه ي به ره و لاي خوا تيکناوه و له سه ر وه سيبه تي خوي له وي ناي نيژن و ته رمه که ي ته به نه وه بوگوپرستاني (ده ربه ند).

ده ربه ند ناوه بو ته م گوندا نه:

۱- ده ربه ند، له ديبه کاني به شي سندوسه وله ۱۳ کيلوميتري باکوري خورئاواي نه غه ده دايه و له ۴/۵ کيلوميتري باشور جا ده ي (شنو) بو نه غه ده يه له داوينه دايه، هه واکه ي سارد و سالمه ۱۰۷۸۹ کهس حه شيمه تي هه يه و کوردو شافيعين له ئاوي گاده رئاو ته خو نه وه و و کار ي خه لک جوت و گاو دانه وي له و گه نم و جو و توتن و ريگاي ته و گونده کويره ريگايه و کاره باولوله کيشي ئاوي نيبه.

۳- ده ربه ند له ديبه کاني ده شتي (سيلواناي) لاي (ورمي) يه وله ۱۰/۵ ک باکوري خورئاوايي سيلوانا دايه و که و تو ته - ۶ کيلوميتري باکوري ريگاي ته رابه ره وي (چومي به د کار) بو (ورمي) له دولايي دايه و سارد و سالمه و ۱۹۹۰ کهس حه شيمه تي هه يه و کوردو شافيعين . له کاني ئاو ته خو نه وه و کار ي خه لک جوت و گاو مه رو مال اتداری و دانه وي له چاندين و توتن کردنه و کار ي ژنانيش مال داري و مه ر دوشين و رزق به ره هم هين و جاجم و گوره وي وره شکه و بهر مال کردن، پاسگاي ژاندرمري ليبه و ريگاي خا کي بو ته چي.

۴- دهر به نند گوندیکه له ديهستاني گه ورک به شی حه ومه ی شاری مه آباد کوستانه وله ۵۰ کیلومتری باشوری مه آباد و چار کیلومتری باشوری خوره لاتی جاده ی (مه آباد) بو (سه رده شت) ه ساردی سالمه و ۴۹۷۶ کهس حه شیمه تی هه یه و کورد و شافعی مه زه بن. له ئاوی چه می (جه مالدی) نه خونه وه و خه لکیش خه ریکی کشت و کال و مهر و مالآت داری و تو چاندن و تو بن و دانه ویله کردن و شتیوا نه کهن ژنانش جاجم به مال و کاری مالی ده کهن کویره ریگا نه چی بو نه ودییه.

۵- دهر به نند له دیه کانی دولی به شی شاری (ورمی) یه وله ۵۰ کیلومتری باشوری (ورمی) دایه و که و توته ۶ کیلومتری جاده ی (ورمی) بو مه آباد له دولایی دایه، ساردیکی سالمه ۶۷۹ کهس حه شیمه تی هه یه و کورد و شافعی، له ئاوی کانی نه خونه وه کاری خه لک جوت و گاومه پرو مالآت داری و گهنم و جو و توتن کیلانه، و ژنانش کاری مال و به مال و جاجم کردن و ره شکه و گوریس چیننه، ریگای گوند کویره ریگایه.

ئه دیب له دهر به نندی دولی نیژ راهه. ماموستا گیوی موکریانی نوسیویه تی:
ئه دیب به زوانی کوردی و پارسی و عه ره بی و روسی شیعی زوره ماموستا گیوی موکریانی نوسیویه تی: به سه رهات و هه ندی له شیعه کوردی یه کانی نه دیم له (مه لاقاسم زه ندی برازای مه لاره سولی نه دیب و هه ندیکی دیکه یشم له فه قی (سمایل، سه رما بردو) ده سکه و تون، نه م (فه قی سمایله) زورده نگ خوش بووه و زیاتر له ۵۰ سال چریکه و ئاوازی کوردی به ده ف و ده نگی خوشی خوی بو خه لک دوپا ته کرده ته وه له م ریگایه وه زوانی کوردی فیری خه لک کرده.

ئەمەش چەن شیعرو ھەلبەست لە ئەدیب:

عەجەب ماوم کە پەسوی بوته تاران بوونی خاکی
ئەبی بمری لە دەردی بی وەلامی عاریز و شاکی
هەتا ویستا لە بو بیچارە، جیی لوتف و عەدالەت بویی
لە بەر بەد بەختی خۆمە دادخوازی، بوته، بیباکی
دەسووم داسی ئومیدم، بو دەرونی مەزرەعی لوتفت
پەرەیی خوشەیی رجا و ئارەزوم، ماخاروخاشاکی
وہ بگرە چو لە کیک بم من موتیعی ئەمری ئیسلامم
لە ئیجرائی حەق تەسائیح حەقە بو ئەمری زاکی
لە (لاجان) و (شنو) مەلجە نەماوە مولتەجی بم پی
کە ئاغاش لیم نە پرسی دابنیشم بە غەمناکی
ئە گەرمە یلت نە بایە زیر خریدی کەس نە بو (لاجان)
ھەمیشە چاوەریی لوتفی چاوی غەمناکی
(ئەدیب) یش، ھەم بە روژی خوی بە کاری گیان نیساری دیت
دریخی لیمە فەرمو بیخە تا، روی رەحمەتی چاکی
لە من وابو کە بیچاران لە سایەت بیخەم و دەردن
کە (لاجان) بیته (تەوریز) خۆم فیدا کە مبابە چالاکی
ئەمەش چەند شیعری تر کە لە گەل دەرویشیکدا دەمەقالە ی بوو:
(لَنْ تَرَانِي) وتی: پیم ئەم (لَنْ) ەنەفی ئە بە دە
من گوتم جاھیلی تو دەم وەرە لەم جیگە مە دە

چومه پیش نهختی به عونوانی نه سیحه تکاری
گوتم: ئەی مەردی حیسابی ئەتەوی دینداری
رەسمی دەرویشی که خاموشی یه دل هوشیار
چت له ئایات و موعەمما و مەسەلە ی عەبیاری
حەللی ئەم مەسئەلە هەلاجی نیه تیری ئیزای
موتەغەبیر بولەسەر ئەم قسە دەرویشی حەزین
نەدە گونجا لە هەراسانی لەسەر روپی زەمین
بەنەسیب ئەم که سەبی یە کسەرە خاریج بو لە دین
سەگ پاشی نەدەژی ساتی له بەرشیدەتی قین
هەر وه کو کاکە رەزا فەرمویە لیم بووه سەگی هار
کوتی موسام و له ئەم عەسرەوه مەئموری خودا
زاهیری تەن بەشەر و باتنی لەم خەلقە جودا
ساحیبی موعجیزە و قودرەت و حالات و عەسا
یەدی بیزا و وحوزور و قەدەم و توری نیدا
تو که فیر عەونی ئەبی حوکمە بخنکیی لە بیجار
بەلی مەعلوم بو تەبەیی لە شەرعیەت بەدەرە
بە تەبەیی چ بلیم (ئایەتی حەق بی سەمەر)
مەعنی قەولی خودا قیسمەتی ئەهلی بەسەرە
هەر لەبو ئەهلی سەفا بەندە ئەدیب خاکی دەر
چم لە موسایە، که سەر زاری دەرویش...
ئەمش پینجینه یه ک له سەر شیعری تاهیر به گ که مه بهستیکی عه شقی خودابی ده گه
بینی

کی دیتویه واحوسن وله تافهت له به شهردا
چاوت که هه مو غارهت و قه تلی له نه زهردا
قه تلی منی مه زلومی به یه ک غه مزه خه بهردا
قوربانی روخت بم که شکستی به قه مهردا
حه یرانی له بت بم که ره واجی به شه کهردا
ئه مرو که له بهر خالی تو موسته غنی له میشکم
بو شاهیدی دهردی دلی شهیدا له بی وشکم
چون هیندوه دهرون پر خه م و خویناوی سرشکم
خاکی نییه بیکه م به هه وهس گاهی به سهردا
تابو به له دی خال و خه تت بیمه موتالات
سه یری قه مهرو له علی له بت که م قه دوبالات
دل رو یوه قوربان له وجودم به خه یالات
دائیم له سه فهدایه ئه گهرچی له حه زردا
تاوه سلی له ئاوینه ی دل دی به ته فه ئول
په روانه به روی شه معی نه ما تابی ته ئه مول
له وسه یلی غه مت نابی ئه مانم به ته خه یول
ناحه قی نییه گهر نه وهسی، پردی ته حه مول
سیروانی سرشکم که ده کا هاژه له سهردا
له و روژه وه روی کرده، چرای به زمی حه ریفان
واچاره یی من بو وه ره قی زهردی خه ریفان
گهر نه یو له بهر مه ستیه پهروای ئه سیفان

ئه ديب ئه مه يش (موسه مه تي) كوردى له شيعره كانى ئه ديب
روت شه مسى ته موزه هه مو پرتابش و تاوه
ئه گريجه يى چين چينه له روت په خش و به لاوه
حه يرانى ده مت بم به مه ثل شوشه گولاوه
قوربانى دوزولفت كه ده لى سونبولى خاوه
مه يلت ئه وه چه ن روژه له سهر وعده نه ماوه
روژى نيه مه ستانه كه عه هدى نه شكيني
وهك كا هروبا ئه و دلى مسكين نه رفيني
وهك قه وس و قه زه ح ساتى به رنگى ئه نويني
بى گيان، به دنى خه سته جه گه را بوچى ده مينى
وهك شوشه ي ناسك دلى بيچاره شكاهه
پيم فه رمو گونا هم چيه ئه ي سه روى دلارام
چيدى مه كه دلره نجه ئه سيري منى ناكام
كووا طاقتى ئه وه جه و ره هه مو تاب و توانام
ئه بروى كه چت حالى ده مى مه رگى نيشان دام
ته هديدى سه رى تيرى مژانت به علاوه
ئاواره به دبخت مه گه ر وامقى عه ذرام
له ومه م چده كه ن كوشته و سه ر گه شته يى له يلام
غه رقى غه م و سه ودا سه رو ئاشوفته و شه يدام
بو دانه يى خالت به فريب چوم دلى كيشام

سهرتاسه‌ری ده‌وری قه‌مه‌رت دانه‌و داوه

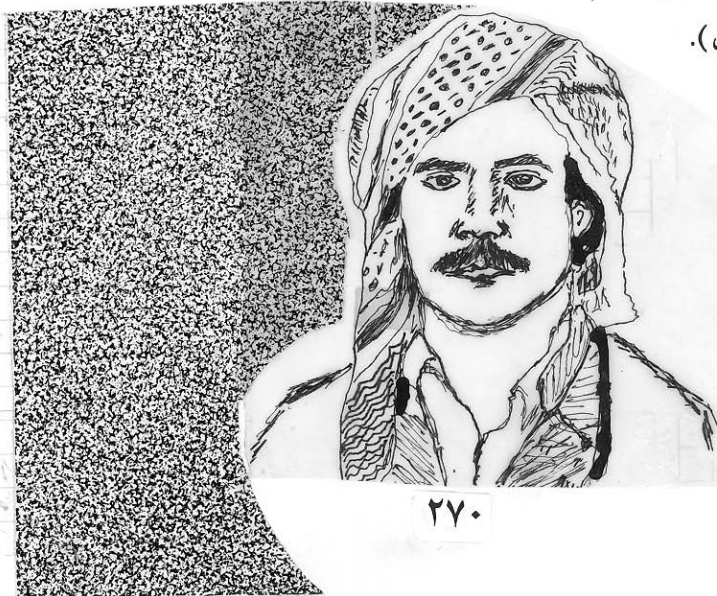
سیوی چه‌نه‌ک‌ت ئاوی ح‌ی‌ات و چه‌هی زه‌مزهم
ئه‌ی گیانی عه‌زیزم به‌ فدای ئه‌وسه‌رو په‌رچه‌م
ئه‌ورو، که‌ده‌لیم خاکی هه‌مو ده‌ر وه‌سه‌رم که‌م
پرسیم: چه‌یه؟ ده‌رمانی برینی دل‌ی پرخه‌م
فه‌رموی: که‌ده‌وای سه‌خته «ئه‌دیب» کاری ته‌واوه

غزل:

چاوه‌ک‌ت مه‌سته‌ به‌ناخه‌ق فی‌ری مه‌یخانه‌ی مه‌که
لی‌گه‌ری مه‌خموری به‌زمی دوردی په‌یمانه‌ی مه‌که
زولفی س‌ازاوت ده‌سا ته‌رتیب وچینی تیک‌مه‌ده
حه‌یفه‌ توشی جه‌وری ریشو‌کیشی له‌رزانه‌ی مه‌که
په‌رچه‌مت جی‌ ئاشیانه‌ی بولبولی‌ طه‌بعی‌ منه
چونکه‌ کیشکچی‌ شه‌وه، تو‌مه‌نعی‌ هیلانه‌ی مه‌که
گه‌رده‌نم پی‌خوشه‌ هه‌لقه‌ی ت‌ای‌ طه‌نافی‌ زولفه‌ک‌ت
چاوه‌که‌م ئیتر‌ هه‌واله‌ی طه‌وق و زولانه‌ی مه‌که
دل‌ به‌مه‌یلی‌ خوی‌ ده‌میکه‌ عاشقی‌ بالاکه‌ته
تو‌خودا‌ مایل‌ به‌غه‌یری‌ خو‌ت و بیگانه‌ی مه‌که
هه‌رله‌ئه‌وه‌ل‌ تو‌لدلت‌ بردوم‌ به‌نازی‌ چاوه‌ک‌ت
تازه‌ فی‌ری‌ راه‌وره‌سمی‌ طه‌بعی‌ په‌روانه‌ی مه‌که
عاشقی‌ خونچه‌ی‌ ده‌مت‌ تاکه‌ی‌ ده‌بی‌ ئاواره‌بی‌
مه‌حره‌می‌ رازه‌ حه‌واله‌ی‌ چول‌ و وه‌یرانه‌ی‌ مه‌که

وابه رسوایی له‌ناو ئه‌م خه‌لقه ئه‌فسانه‌ی مه‌که

مه‌حفوز له‌به‌ر کوششی عوششاتی خه‌فیفان
وه‌ختی که‌ده‌کا خه‌نجه‌ری تیژی به‌که‌مه‌ردا
ناپرسی له‌به‌ر ه‌شمه‌ت و ئیقبال و جه‌لالت
له‌و (کیوکه‌نی) کوشته به‌ئومیدی و یسالت
شیرینه به‌شیدا ئه‌لم و ژه‌هری وه‌بالت
ئه‌ستیره هه‌مو مه‌حوه له‌نیو نوری جه‌مالت
چون شه‌مسی روخی تو‌شه‌وی گیراوه به‌فهردا
ئه‌ی بو‌ئه‌له‌می من که‌ تو‌لوقمانی ئه‌مینی
شیرین ده‌هه‌ن و شوهره‌ی ئافاقی، زه‌مینی
جاری بلی بیچاره «ئه‌دیب» بوچی هه‌زینی
مه‌یلی هه‌یه تا‌هیر که‌پرسی له‌برینی
له‌و دل‌به‌ره پرسن که‌چ تیری له‌جیگه‌ردا
سه‌رچاوه: دیوانی ته‌دیب چاپی هه‌ولیر چاپی ۲۵۷۳ کوردی چاپخانه‌ی
کوردستان چاپی یه‌که‌م گردو کوکه‌ره‌وه‌ی: گیوی موکریانی که‌له‌ ۳۹ لاپه‌ره‌دا چاپکر
اوه (شه‌پۆل).



ئهلماس خان

ئهلماس خان (نهك خان ئهلماسي لورستاني)

ئهلماس خان - ه پله و پايه ي سهرهنگي بووه و به سهرهنگ ئهلماس خان ياميرزا ئهلماس خاني كه ندوله يائهلماس خاني كوردستاني ناوداره و مهنزومه يه كي له بابته جهنگه كاني (نادر شاي هه وشار) داناوه و به شيعر هونيويه ته وه سهرهنگ ئهلماس خان يه كيكه له شاعيراني پايه بهرزوته رزي روژگاري نادر كه رزم و به زمي ليك داوه و له سوينگه ي تهبعي ره وان و به هيزي خوي (نادر نامه و توپال^۱) ي به شيعر و توه.^۲

ههروهها (ههفت له شكر، شيرين و فههادو خورشيد و خه رaman) ي داناوه. ئه م شاعيره ناوداره كه به ئهلماس خاني كوردستانيش ناوداره، فه رمانده ي تيب ي سنه بوه له كاتي نادردا. له جه نكيك دا كه له مانگي سه فه ري ۱۱۴۶ ي كوچي مانگي له نيوان نادر و سپاي توركي وه سمان ي به فه رمانده يي (توپال وه سمان

۱- توپال فه رمانده ي سپاي عوسماني بووه له ۵ ژي سه فه وي سالي ۱۱۴۶ ي مانگي له گه ل نادر شاي هه وشار - حديقه ي سلطاني نوسراوي كاك محمد علي سلطاني ج ا- په ره ي ۱۰۰ چاپي ۱۳۶۴ ي هه تاوي.

۲- مه نظومه يه كه له شه رح ي جهنگ كاني نادر شادا (لا په ره ي ۱۵۵ گو لژاري ئه ده بي لورستان نوسراوي كاك ئه سه فه نديار غه زه نفه ري ئومرائي چاپي ۱۳۶۴ ي هه تاوي.

پاشا) روی داوه، جاله سوینگه‌ی شه‌رنه کردنی سهره‌نگ ئەلماس خان به‌دژی عوسمانی و مل‌بادان له‌فه‌رمانی نادرشا تیبی سنه مه‌جبور به‌کشانه وه‌ئه‌بی.
(سرجان مالکم) نویسیویه‌تی: ئەمه بوه‌هوی تیشکانی نادر. میرزا مه‌هدیخان له‌کتیبی جیهانگوشای نادریدا نویسیویه‌تی: دوا‌ی ئەوه‌ئیت‌ر نادر نه‌ی توانی نه‌زم له‌نا و سپای خویدا دامه‌زرینیه‌وه. جاهەر له‌به‌رئه‌مه سهره‌نگ ئەلماس خان که‌وته به‌رغه‌زه‌بی نادر و ته‌نانه‌ت ئەلین: سیره‌تیشی برپوه.
میرزا شه‌فیع خه‌لکی بیلوار (رزله‌یا مامیزک) که‌له ده‌زگای خوسره‌و خانی یه‌که‌می میرمیرانی کوردستان له‌ساله‌کانی ۱۳۰۶-۱۱۶۸ حیساب‌داری: (موسته‌وفی) دارایی ولات بوه‌وله‌بره‌ شیعریکدا ئیشاره‌ی بو‌ئه‌وه کردوه، ئەم روداوه دل‌ته‌زینه نامروفانی یه‌بوته‌هوی ئەوه‌ی که سهره‌نگ به‌وه‌جاخ کویری بمری چونکا گه‌نج بوه که‌ئه‌وبه‌لایه‌ی به‌سهره‌هاتوه.

ئەلین میرزا شه‌فیع ئەیه‌وی بچیتته‌دیداری سهره‌نگ ئەلماس خان که‌زوریان یه‌کترین خوش‌ویستوه، به‌لام له‌ریگا ئەببسی که‌سهره‌نگ ئەلماس خان ئەوشاعیره‌به‌ناو بانگه‌ناسک خه‌یاله بارگه‌ی به‌ره‌ولای خواتیکناوه ئەروا له‌جیگای ناشتنی ئەپرسی و ئەچیتته‌سهرمه‌زاری و په‌زاره‌یه‌کی زور روی تی ئەکاوئه‌م شین نامه‌ی به‌ناوی (سه‌رای خاموشی) دانه‌نی و به‌کولی گریان له‌سهر گلکوکه‌ی ئەی خوینیه‌وه وه‌وه‌ش که‌خان ئەلماس خان منالیک‌کی نه‌بوه که‌جیگای باوکی بگریته‌وه زورخه‌فه‌ت ئەخواوئه‌م‌شین نامه‌ی بودائه‌نی:

سه‌رای خاموشی:

میرزام خاموشان - میرزام خاموشان.

موباره‌کت بو سه‌رای خاموشان.

نوشت بوبادهی بیهوشی نوشان.
نزیکی یاران گل کهنه ن پوشان.
ئومید وه ئیعجاز دوعای خاسان بو.
سزای گور ئه فشار وه لیت ئاسان بو.
دومای ئه لماس خان، خان لال شیوه.
کره ی ته مویره کس نیووه پیوه.
واتا: دوا ی ئه لماس خان له عل پوش کس نه غمه ی ته موریه نه بیستوه.
میرزام ئی دهرده، وه من بی کاری
تویله دهس نیشان ژه ویت نه داری
سه روهرم ئه م دهرده له من کاری کرد - منالیکیشته له پاش جینه ماوه که وه جاخت
رون بکاته وه وده س په روهرده ی توبی له ناو دوستانا.
فه رزن هه رخاسه میوه ی باغت بو
هه م شادی هه م زه وق هه م چراغت بو
هه روهقت بمرین جانشینته
کوری ا دوشمنان دنیا و دینته
وه ته فریح مه کی سه یر باغانت
وه ناز مه گیلو، وه دیوانخانت
له وهخت پیری بگیرو دست
هه م وه دلسوزی بکهری قسه ت
ئه گهر ژه ته لی گولی کهنه بو
روحه م شه رمنده ی خودا و بهنده بو

ئه گهر له تهنه ی دار شاخه یه ک بکه نری گیانم لای خواو بهنده کانی شهرمه ساره،
ئیستان شهرمه سارم که بوچ دوا ی تو ئه لماسخان زیندوماوم و مهرگت ئه بینم.

عه زیزم میرزام هاو سه رای گل

قهلبم پر باره - بیرازم ژگل

هه ی ها وار ژ دهس چه رخ نافه رجام

باساکیم به ربی ژه دهس چی میرزام

ئه ی هاوار له دهس ئه م چه رخه بی فه رجامه دودمانم

تیاچوه، چونکا باشتیرین یا رویاوه رم له دهس چوه

بار تا بیوشم به رگی ژه پلاس

خوین گری شه فیح به عده زخان ئه لماس. ۱

خان ئه لماس لورستانی کوری محهمه د به گ لورستانی یه وله وه ئه چی له

سالی ۱۰۷۲ کوچی له لورستانا له دایک بوبی و لای باوکی دهرسی خویندوه و

خه رقه ی ئیرشادیشی هه رله باوکی وه رگرتوه و به گه نجی خه ریکی خویندنه وه ی

دیوانی شیعر ی شاعیرانی کوردو یارسان بوه و زه وقی شیعر و تنی گولی کردوه و

شیعری زو ریشی به زمانی زگماکی و دایکی دانا وه و که و توت به ردل و سه رنجی

زانایان و هونه ر دوستان.

خان ئه لماس لورستانی که خوی له پیاوه ناودار و مه زنه کانی یارسان

دیته ژمار، له سالی ۱۱۳۴ کوچی مانگی کتیبکی به ناوی (که لامی خان ئه

لماس) که پیشگویشه به نه زم دای ناوه پیشگویه کانی وه کوهی ته یمور بانیارانی

۱- کاک محهمه دهلی سولتانی نوسیویه تی: شاعیر ته موری چاک لیداوه و خان ئه لماس خان له
ساله کانی ۱۱۸۰ ی مانگی له ژیاندا بووه و له نیوان ساله کانی ۱۱۹۰ تا ۱۲۰۰ ی مانگی وه فاتی
کردوه.

وئیل به گی یه، که که وتوته بهر سه رنجی نه هلی حهق.
خان ئەلماس لورستانی له سالی ۱۱۳۸ کوچی بارگهی به ره ولای خوا
تیکناوه وله لورستان نیژراوه و ۶۶ سال زیاره - ئەمهش نمونه ی پیشگویه کانی:

یاوه ران ئاشو

یاوه ران ئاشو، یاوه ران ئاشو
نوتق ئەزه له وهر خیزو ئاشو
یاوه ران به ئیوه خه بهر ئەدهم ئاژاوه ئه بی قسه ی پیشینه که ئاژاوه ئه بی.
یانه ئەخیاران کو به ستهن کوکو
هه ی داد ئه و روژه گو و مه گو بو
حوکم شاهان تورک ته تهرمه یو
یهوم یهوم زیای جه و به تهرمه یو
دهس داران بی دهس بیده سان نو بو
بیلال جار مه دی واحیدان رو بو
نهمیهر نه محه بهت دل بی زهوق مه یو
خوشی زه مانه گشتی چی تهوق مه یو
ئەلماس خان (نهک خان ئەلماسی) لورستانی یه کیکی له شاعیره هه ره
گه و ره کانی کورده که به زاراهه ی هه ورامی کون شیعر و چامه ی داناوه و
شوینه وازه کانی وهک نادر نامه و شانامه ی کوردی، له گه و ره ترین گه نجینه ی
ئەده بی گورانی کورد له قه له م ده درین.

۱- بۆزانی ئه م مه به ستانه پروانه گولزاری ئەده بی لورستان نوسراوی ئەسفه ندیار غه زه نفه ری
ئومهراتی چاپی هاوینی سالی ۱۳۶۴ کوچی هه تاوی. وهه روا پروانه حه دیتقه ی سولتانی چاپی
سالی ۱۳۶۴ کوچی هه تاوی.

ئهلماس خان له نیوهی دوهه می سهدی دوازده هه می مانگی دا، له ده ورو بهری سالی (۱۱۸۰) دا ژیاوه و رهنکه له ناخرو ئوخری هه ر ئه و سه ده یدا، له بهینی ساله کانی (۱۲۰۰-۱۱۹۰) دا کوچی دوایی کردبی.

به ریز محمد علی سولتانی قه له م جوان له پیره پیاوانی ناوچهی که نو له و گاوهروی ژنه فتووه، که ئه م شه ره، له نیوان نادر و هیندووه کان دا بووه. به هو ی ئه م پاشه کشی یه وه نادر شاه، ئه لماس خان زور سهخت ته مبی ده کا.

ئهلماس خان ناخرین ساله کانی ژیانی له ئاواپی که نو له راده بویری و له ی دا خه ریکی باغه وانی و ته نبوره ژه نی و دانانی کتیبی شانامه ی کوردی و نادرنامه ده بی، وه ک ده لین جگه له و دو کتیه چه ند شوینه واری تریشی هه یه. به لام شاکاری ئه لماس خان، هه ر شانامه ی کوردی یه.

یه کیک له به شه هه ره جوانه کانی شانامه ی کوردی، داستان و حه ماسه ی روسته م و زورابه. به پیی شانامه ی کوردی، سوهرابی کوری روسته م کورپکی ده بی به ناوی برزو، دایکی برزو ناوی (شه هر ناشووب) ه و کچی قلیچ خانی هه و شاری یه.

کاتی زوراب (سوهراب) به ده سته می باوکی ده کوژری و برزو، گه وره ده بی، شه رپیک له نیوان سپای ئیران و توران، له ده ورو بهری کرماشان دا روده دا. له و شه ره دا، برزو، به گورزی گران، شانی روسته می باپیری ده شکینی و له پاشان برزو، به ده سته فه لامه رز (فه رامه رز) سه رداری سپای ئیران دیل ده کری.

کاتی شه هر ناشووب، ئه م خه به ره ی پیده گا و ده زانی، که برزوی کوری دیلی سپای ئیرانه، له وه ده ترسی، وه ک سوهرابی باوکی بکوژری، بریار ده دا شه و بچیتته لای روسته م و رازی برزوی بو بدرکینی.

شه هر ناشووب، ئه و شه وه خه و له چاوی ناکه وی و برزوی کوری ده لاوینیتته وه.

ئەم لاواندنه وەيه، كه له زاراوهی ناوچهی كرماشان دا پيی ده ليين (وای
گيران) جوانترين به شی شانامه ی كوردی يه.
شه هرناشوب به م جوړه كور ی گه نجي ده لاوینته وه. رو رو له شناسنامه ی
كوردی دا:

موات ئە ی رو له ی نه و نه هالم رو
فرزه ندی سوهراب، نسل زالم رو
ئە و شیر جهنگی نه و نه مام رو
سالاری سه رهنگ نسل سامم رو
شیر شیر شکه ن، شیر ئەنگیزم رو
دلیر داده ی کینه خیزم رو
به ور شیر شکه ن، روی مهیدانم رو
دلیر دادخواز سه ره دانم رو
شهیدای شوری بی ئامانم رو
وینە ی سام سوار قه ره مانم رو
شهیدای میرشکار، کو ی (ئه مرو له) م رو
تا وه قیامت رو له، رو له م رو
ئە و ساحه ب گورز و تیغ به خشم رو
نه و شیروان هه یبه ت، حاتم به خشم رو
برزوی شیر ئەژده ر میر شکارم رو
قه تیران باز، وه قین و قارم رو

۱ - واتاو مانای واژه کان: ئە مرو له (هه مرو له): ناوچه یه كه له بهینی سنه و دیوانده ره و دی گولان.

دلیر سه فدر^۱ روی مهیدانم رو
باش بالا^۲ وهنده که یانم رو
فلهک داد ژ دهست زایه لهی بی شه و
پهی جهانجووم داد، پهی سوهرابم رو
پهی برزوی شیر جو، شهر نهنگیزم رو
پهی سوهراب یه ل، رهستا خیزم رو
پهی رولهی دلیر، ساحب گورزم رو
نهریمان قامهت، چون نهلبورزم رو
روله چیش^۳ که روم^۴، چهنی بیده نگیت
چیش که روم چهنی قه لان^۵ جه نگیت
چیش که روم چهنی ره خش سه رمه ست
کی گيرو^۶ به دست نه زدهای ده ست
روله چیش که روم، وهی چهرخ گه ردون
وهی پر جه زینهار، بی شهرت، بی شون
فلهک نه به ختم چهرخهش چه مهران^۷
هر ساتی رهنگی، سه وداش نه سه رهن^۸

۱ - سه فدر: سه فدر - سه ف شکیں.

۲ - باش بالا و هند: سه روکی خیلی بالا و هند - سه رخیل بالا و هند.

۳ - چیش: چ، چیه، چ ده بو.

۴ - که روم: کردبام - بکه م

۵ - قه لان: کوئی قه لایه - قه لاکان.

۶ - گيرو: بگری

۷ - چه مهران: خولان - چه مری ناههنگی تاییه تی مردو ناژن که به ده هول و زورنای ده ژه ندیری، کوته ل گیران.

۸ - نه سه رهن: هه تا سه ر نییه.

روڻه‌ي سه‌همناک، نه‌وجه‌وانم روڻ
نه‌و ره‌سته‌ي نه‌و حال، گورز وه‌شانم روڻ
روڻه‌ي سه‌همناک جه‌مين پاکم روڻ
به‌بر سام سه‌وله‌ت، سینه‌ چاکم روڻ
فرزه‌ند، به‌ سه‌ر گه‌رد^۱ تیغ و گورزت بام
وه‌نه‌زر^۲ بالای چون نه‌لبورزت بام
وه‌نه‌زر بالای نه‌ونه‌مامیت بام
وه‌نه‌زر باهو^۳ی قه‌هره‌مانیت بام
وه‌نه‌زر دیده‌ي شه‌و بی^۴ خاویت بام
وه‌نه‌زر شیوه‌ي چون سوهرابیت بام
فرزه‌ند، وه‌سه‌ر گه‌رد، دیده‌ي مه‌ستت بام
په‌ي ده‌ر ساخی، دیل خاس که‌سه‌ت بام^۵
په‌سه‌ندی (شه‌پول) به‌ شیعری کاک محمه‌د ره‌ثوفی ته‌وه‌کولی:
شه‌پول دل‌سوزه‌ که‌ي کورد و ولاته
له‌ سه‌ر کوردان بکوژی پیی^۶ خه‌لاته
مه‌رگ لای وی وه‌کو ئاوی حه‌یاته
له‌ کاریدا ده‌قیقه‌ وه‌ک سه‌عاته

۱- به‌ سه‌ر گه‌ردی: قوربان - فیدا - ده‌سهرت گه‌ریم.

۲- نه‌زر: قوریانی

۳- باهو: هه‌یکه‌ل - شان و باهو

۴- خاو: خه‌و

۵- نه‌قل له‌ نوسراوه‌ي کاک نه‌حمه‌د شریفی به‌ریز که‌ له‌ کوواری سروه‌ي ژوماره ۹۸-۹۷ په‌ره‌ي ۳۰ و

۴۰ له‌ چاپدراوه (شه‌پول).

گهلی عاشق به تاعات و سه لاته
قسه ی خوشه ده لئی نوقل و نه باته
به ئومیدی خودا ئه هلی نه جاته
هه میشه کار و پیشه ی هه ر خه باته
بوگه شه و نه شه ی فره نگ ولاته
ریگای وی هه ر خه باته بو نه جاته
بو کورد و بو کورده واری
بو بوژانه وه و ژیانی فره نگ
به ئیراده یه و لی نه وه
ئازایه، دل قایم و پته وه
ئه وه خاوه نی گرشه
نوسری میژووه، به ورشه
تومار ده کاناوی زانایان
بو کورده مایه، بو دانایان
بو راگرتنی ئاداب بو کوردی
دانه ری ته فسیره بو قورئان به کوردی.

□ کاک محمد رثوف توکلی که له بانه له ۱۳۰۹ی هه تاوی له دایک بووه و دارای لیسانسه و ده بیرری بازنشته یه و تائیس تا ئهم په راوانه ی نوسیه: تاریخ تصوّف در کردستان و جغرافیا و تاریخ بانه چاپی ۱۳۵۴ و تاریخ تصوّف در کردستان چاپی اشراقی بدون تاریخ که در ۱۳۶۴ به بعد چاپ شده، چهار امام اهل سنت و ئهم کتیبانه به کوششی وی له چاپ دراون: حدیقه ی ناصری تالیف علی اکبر وقایع نگار، سیرالاکراد تالیف عبدالقادر فرزند رستم بابانی، بدایع اللغه فرهنگ کردی فارسی تالیف علی اکبر وقایع نگار. شه پۆل

ئه بول وه فا كانيمشكاني^۱

نيو: (تاها) ناودار به ئه بو وه فا موعته مه د كوري خوالي خوشبو حاجي شيخ محه مه د موعته مه دول ئيسلام كه به كيگ له گه و ره زاناياني په يره وي رچه ي ئيمام شافعي بو له كوردستانداو ساله هاي سال له كوردستاندا خه ريكي دهرس وتنه وه ي زانست و مه عاري في ئيسلامي و فتوادان بو وه به كيگه له مه شاخي كاني مشكاني هه ري مي كوردستان، ئه م بنه ماله به فه زل و ته قو ناوداره و ته كيه و خانه قاي ئه وان له م سه رده مه شدا له گوندي كاني مشكان له دو فرسه خي شاري سنه هه رماوه و خه لك هيمانيش هات و چوي ئه كه ن.
ره چه له كي ئه م بنه ماله به پي شه رجه ره يه ك كه واله ده سدايه ئه گاته وه (قوصه ي) با پيره ي چاره مي پيغه مبه ري مه زني ئيسلام.
جيگاي له دا يك بون و پيگه يشتن:
شاري سنه ناوه ندي ئوستاني كوردستاني سه ر به ئيران^۲ برواري له دا يك

۱ - ئه بولوه فا كوري محه مه د كوري عه بدول كه ريم كاني مشكاني ناودار به موعته مه دي كوردستاني كه به ده س خه تي خوي ئه م شه رجه حالي له سالي ۱۳۳۹ ي هه تاويدا بو كتيبخانه ي ئاستاني قودسي ره زه وي نوسيوه و ناردويه تي.

۲ - سنه له ۴۴/۳۸ پله ي دريژي خو ره لاتي (گرنويج) و ۳۶ پله عه رزي (پانايي) با كوري

بون: مانگی صفه‌ری ۱۳۰۵ ی مانگی و ریکه‌وتی ۱۲۶۵ ی هه‌تاوی چاوی به‌جیهان هه‌لیناوه.

خویندن و کارو بار: زانستی قه‌دیمه، وه‌ک و یژاوه‌ری، پارسی و عه‌ره‌بی صه‌رف، نه‌حو، به‌یان، به‌لاغه، به‌دیغ، مه‌نتیق، حیکمه‌ت، که‌لام، ته‌فسیر، حه‌دیس، فیه، ئوصول و زانسته‌کانی‌تر.

له‌سالی ۱۲۹۴ ی هه‌تاوی دوا‌ی ته‌واوکردنی خویندنی باوی سه‌رده‌می خو‌ی، بو‌ته‌کاربه‌ده‌سی حوکومه‌ت و به‌پر‌سیار‌بونی کارو پله‌ی یانه‌کانی وه‌زاره‌تی دارایی بو‌ه‌وس‌ی سالی ره‌به‌ق خزمه‌تی کرده‌و ۵ سالی له‌کوردستاندا و ۳ سالی له‌خوراسان و باقیه‌که‌ی له‌تاراندا کاری کرده‌و. له‌سالی ۱۳۲۸ ی هه‌تاوی له‌گروه‌ی ۹ داموته‌قاعید بو‌ه‌و‌وازی له‌کاری حوکومه‌تی هیناوه. نه‌بو‌وه‌فا له‌ماوه‌ی ژیانیدا هه‌میشه‌خه‌ریکی خویندن و پیا‌چونه‌وه‌به‌کتیبه ئیسلامی به‌کان بو‌ه‌به‌تایبه‌ت دوا‌ی نه‌وه‌ی وازی له‌کاری حوکومه‌تی هیناوه، زیاتر سه‌رنجی داوه‌و نه‌م په‌راوانه‌ی نویسه:

۱- کتییی ئوصولی فیهی شافعی به‌پارسی که‌تائیستا دوجار له‌چاپ‌دراوه، جاری به‌که‌م له‌سالی ۱۳۳۲ هه‌له‌چاپخانه‌ی حه‌یده‌ر و جاری دوه‌م له‌سالی ۱۳۶۴ هه‌تاویدا.

۲- کتییی (ارث) میراث له‌ئیسلام و موقه‌ره‌راتی قانونی مه‌ده‌نی له‌ئیراندا به‌پارسی چاپی سالی ۱۳۳۴ هه‌تاوی .

۳- ریساله‌یه‌ک له‌باسی نه‌به‌سرانی بابی (ئیجهاد) له‌رچه‌ی ته‌سه‌نون‌دا، به‌زوانی عه‌ره‌بی چاپکراوه.

۴- شهرحیک به پارسی له سه رکیبی (الشبهات فی المواعظ
والآداب) نوسراوی ئیمام قوزاعی له فرموده ی پیغمبهری مهزنی ئیسلام
(چاپ نه کراوه).

۵- ریساله یهک له مه سه له ی خه لقی ئه عمال له زانستی که لام دا به پارسی
(چاپ نه کراوه).

ماموستا و مه شایخی خوالیخوشبو ئه بول وه فا:

خویندنی صهرف و نه حو لای خوالیخوشبو (شیخ لطف الله) ئیمام جهماعهت
وده رس بیژی یه کیک له فییرگه کان که له کورانی ماموی باوکی ئه بو وه فابوه ده سی
کردوه به خویندن و له دواییدا لای باوکی خوی و لای حاجی شیخ حمیدی
ماموی و لای خوالیخوشبو (مه لا عبدالله) دشوی موفتی کوردستان خویندویه تی
زانسته کانی باوی سه رده می خوی ته واو کردوه.

حاجی شیخ محمه د موعته دُول ئیسلام باوکی ئه بو وه فا لای عه لامه ی
ناودار حاجی سه ید حه سه نی موده رسی چوری و ئه ویش پشت به پشته له لای
زانایانی بنه ماله ی خویان خویندویه تی تاده گاته وه به خوالیخوشبو سه ید
ئه بوبه کری چوری ناودار به (موصه نیف)^۱

خوالیخوشبو حاجی شیخ عه بدول حه مید له زانا گه وره کانی ئه م سه ته ی
دوا یه بو وه خاوه نی قه سیده ی غه رای (لامیه الکوردیه که فه قی عه لامه ی ناودار
محمه د موفتی زه هاوی) به غا بو ه.

۱ - عه لامه ی ناودار مه لا ئه بوبه کری موصه نیف له ۹۲۳ مانگی له دایک بو ه و له ۷۲ سالیدا له سالی
۱۰۱۴ ی مانگی له چوردا بارگه ی به ره و لای خوا تیکناوه و کتیبی زوری نویسه.
بو ناسینی مه لا ئه بوبه کر موصه نیف بروانه په راوی ژیناوه ری زانایانی کورد یا گه نجینه ی
فه ره ننگ و زانست چاپی سالی ۱۳۶۴ په ره ی ۷۵ تا ۸۴ چاپی تاران نوسراوی شه پۆل.

خوایخوشبو مه لا (عبداللہ) دشی موفتی گہ ورہی کوردستان کہ زور
ناودارہ. زنجیرہی ماموستاکانی بہم جورہیہ:

مه لا (عبداللہ دشی) لای عومہر ئه فہندی هہولیری و ئه میش لای عومہر
ئہ فہندی دہرس بیژی رہ واندوز ئه میش لای ئہ بو بہ کرئہ فہندی هہولیری و
ئہ میش لای زانای خواناسی گہ ورہ محمہد ئہ فہندی خہ تی: (خاتی) شیخی
سلیمانی، ئہم دوزانیہش لای مه لا (عبدالرحیم) ئہ فہندی زیاری و شیخ
مه لا عبدالرحمن روژبہ یانی خویندیانہ.^۱

ئہم دو زاناگہ ورہش لای (صبغۃ اللہ) ئہ فہندی زیاری و ئہ میش، لای
مه ولانا محمہد صالح ئہ فہندی حہیدہری و ئہ میش لای باوکی
خوی مه ولانا سمایل ی حہیدہری و ئہ میش لای مه ولانا ئیبراہیم مودہ ریس
و ئہ میش لای باوکی زانای خوی مه ولانا حہیدہر حہریری کوردی خاوەنی
نوسراوہی زوروزہ و ہندو ئہ میش لای باوکی خوی مه ولانا ئہ حمہد ئہ میش لای
باوکی خوی مه ولانا حہیدہری کوردی فہقی (شیخ الاسلام) مه ولانا زہینہ دین
کوردی بیلالی، فہقی خواجہ جہ مالہ دین مہ حمود شیرازی فہقی مه ولانا
محمہد کوری ئہ سعہد صدیقی دہوانی فہقی (محمی الدین) کہ شکہ ناری
فہقی عہ للامہ سہید شہریف جورجانی فہقی موبارہ ک شا فہقی مه ولانا
قوتبہ دین رازی فہقی عہ للامہ ی شیرازی فہقی خواجہ نہ صرہ دین توسی و
ہر وہا فہقی کاتبی قہزوینی فہقی ئیمام فہخرہ دین رازی فہقی
(حجۃ الاسلام ئیمام محمہد غہ زالی) فہقی (ئیمام الحرمین عبدالملک
یوسف جوہینی) فہقی شیخ ئہ بوتالب مہ کہیی خویندویہ تی، ئہ میش ئہ بو

۱ - بو ناسینی شیخ مه لا عہ بدورہ حمانی روژبہ یانی پروانہ پراوی ژینا و ہری کورد... پہرہی ۶۷۲
چاپی سالی ۶۴ تاران چاپی ئہ و ہل. (شہ پۆل).

وهسمانی مه‌غربی خوش ویستوه و مریدی بوه و خه‌رقه‌شی له‌ده‌س پوشیوه و
ئه‌میش مریدی قوتبی روژگار ئه‌بو عه‌مر زه‌جاج و ئه‌میش مریدی جوینه‌یدی
به‌غدادی بوه (قدس سرهم‌العزیر) ئه‌میش مریدی سرّی کوری موفلیسی
سه‌قه‌تی و ئه‌میش مریدی شیخ ماری که‌رخی و ئه‌میش مریدی ئه‌بوسه‌لیم تالی و
ئه‌میش مریدی حه‌یبی عه‌جه‌می و ئه‌میش مریدی حه‌سه‌ن به‌سری و ئه‌میش له
حه‌زرتی ئه‌بویه‌کری صدیق خه‌لیفه‌ی یه‌که‌م و له‌حه‌زرتی عه‌لی کوری ئه‌بو
تالب خه‌لیفه‌ی چاره‌م ئه‌میش له‌حه‌زرتی محمه‌د پیغه‌مبهری مه‌زنی ئیسلام و
خاوه‌نی قورئان.

سه‌رچاوه: په‌راوه‌ی (مؤلفین کتب چاپی فارسی و عه‌ره‌بی) به‌رگی ۱
نوسراوی خانبا‌امشار چاپی سالی ۱۳۴۰هه‌تاوی په‌ره‌ی ۳۰۶ نوسراوه‌ی:
(ئه‌بول وه‌فا کوری محمه‌د) و روژنامه‌ی شه‌هادی کوردی ژماره‌ی ۱۰۷ سالی ۳-
۱۳۶۴/۱/۱۸ هه‌تاوی و ۲۸ ژانویه‌ی ۱۹۸۶ زاینی و ۱۸ خا‌که‌لیوه‌ی ۲۵ ۹۷
کوردی به‌قه‌له‌می (شه‌پۆل) بلا و کراوه‌ته‌وه و ده‌ست خه‌تی ئه‌بولوه‌فا خوی که
له‌سالی ۱۳۳۹ی هه‌تاویدا بوکتیخانه‌ی ئاستانه‌ی قودسی ره‌زه‌وی نویسه‌ی وینه‌ی
نوسه‌ر.



محهمه د نه بولو هفا تاجولعارفين

۱۶ ره جبهی ۴۱۷ - ۵۰۱ ی مانگی

تار جولعارفين زاتيكي گه و ره و خوا ناسي ته واو و له نه سلدا خه لكي
حه لوان (زه هاو) بووه و لای زاناو خواناسی گه و ره (شه نبه کی) ده رسی خویندوه و
به کاکیس (کاکیش) ناو براوه، چونکا هوگری کاری کشت و کال بووه - له
(قلائد الجواهر) له شیخ عه زار نه قل کراوه که تاجولعارفين (پیغه مبه ر) له خه ودا
نه بیني و پیی ده لی: (یا رسول الله له بابه ت نه بولو هفاوه چ ده فهرموی)
پیغه مبه ریش له وه لameda فهرمویه تی: (بسم الله ... من به و ده نازم؟) و هه روا (شیخ
عبدالقادر) گه یلانی له بابه ت تاجولعارفینه وه ده لی (لیس علی باب الحق تعالی
کُردی مثل ابي الوفا) - له قسه کانی نه بولو هفای کورده: (التسليم ارسال النفس فی
میادین الاحکام، و ترک الشفقة علیها من الطوارق) تاجولعارفين، فهرمویه تی:
ئیواره کورد بوم و به یانی بومه عه رب، (قاضی القضاة) موجیره دین عه لیمی
(مقدسی حنبلی) له تاریخی (المعتبر فی انباء من عبر) فهرمویه تی: (سه روه ری
ئیمه تاجولعارفين نه بولو هفا محهمه د بن محهمه د بن زهید بن حه سن مورت هزای
گه و ره (عریض بن زید بن زین العابدین علی بن حسین بن علی نه بی تالیب د - خ)
شه ریف حوسهینی فوسانی (پوشینی) سهیدی گه و ره و قوتبی زه مان و عه للامه ی
ده و رانی خو ی بو. به قسه ی پروا پیکراوان تاجولعارفين له ۱۶ ی ره جبهی ۴۱۷ له
دایک بووه و له ۲۰ ی (ربیع الاول) سالی ۵۰۱ له (قه له می نیا) شاریک له نیزیک
به غدا وه فاتی کردوه و له سه ر ریازی شافیعی بووه، به لام نه وه ی که له راستی

۱ - په ری ۸۱ قه لائد جه واهیر.

۲ - علماءنا په ری ۴۵۷ و ۴۵۸ چاپی ۱۹۸۳ - ز - به عه ربه ی - هه روا قه لائد جه واهیر نوسراوی محهمه د بن
یه حیا هه نله لی هه لبه ی په ری ۸۰ و ۸۱ و بهجة الاسرار شطنوفی به نه قل له بلاؤکی نه نجومه نی ناساری نه ته وه یی
په ری ۵۰ و کوپه ی شدالازار و طبقات الکبری ج - ۱ - په ری ۱۳۴ و کتیبی زریزه ی زبیرین په ری ۱۴۹ چاپی
۱۳۷۴ - تاران به قه له می (شه پول)